

ابوالحسن دیانت

(تبریز)

طسق تا تسك (تشك)

برای آشنائی با ریشه و معنی این کلمه ابتدا به ذکر نظریات مختلفه اهل لغت پرداخته سپس به نحوه پیدایش و تطور و استعمال آن مبادرت می‌ورزد.

طسق به فتح اول و سکون ثانی بر وزن حبس است و در تلفظ آن اختلاف نظری نیست. این کلمه معرب کلمه فارسی تسك است. و آن خراجی است که برای انواع زراعت در هر جریب تعیین می‌شود، این کلمه را در فارسی تشك می‌گویند که به معنی اجرت و دستمزد است. ۱. در مجمع‌البحرین ذیل همین ماده چنین آمده:

فی الحدیث ذکر الطسق و الطسوق، الطسق کفلس‌الوظیفه من الخراج الارض‌المقررة علیها فارسیء معرب... به نوشته ناظم‌الاطباء مأخوذ از فارسی - نام پیمانهای و مقداری از خراج که به حساب جریب از زمین زراعت و جز آن کیسوند... صاحب اقرب‌الموارد می‌نویسد: وظیفه‌ای از خراج مقرر که بر هر جریبی وضع می‌شود. عمر در مورد دو نفری که تازه اسلام آورده بودند به عامل خود عثمان می‌نویسد: ارفع الجزیه عن رؤسهما و خذ الطسق من ارضهما و گفته‌اند شبه خراجی است که مقدار آن معلوم است.

گویند شخصی به نام مسمع مقداری وجه بابت خمس خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌برد و آن حضرت از قبول آن امتناع ورزیده و می‌فرماید: «یا ابا سیار! قد طیبناه لك و احللتناك منه فضم اليك مالك. و كل ما فی ایدی شیعتنا من الارض فهم فیه محللون حتی یقوم قائمتنا فیجیبهم طسق ماكان فی ایدیهم و یترك الارض فی ایدیهم و اما ماكان فی ایدی غیرهم فان کسبهم من الارض حرام علیهم حتی یقوم قائمتنا فیاخذ الارض من ایدیهم و ینخرجهم صفره. ۲»

علامه دهخدا در لغت‌نامه علاوه بر معنی مذکور به نقل از آندراج آورده: وجه معینی که آسیابان به سرکار شاه ایران رساند و این از جمله باجهای آنجاست. شفیع اثر در هجو نجفقلی‌خان صدر ایران گوید:

نارسته تخم گشت هنوز از زمین وقف بر زارعان حواله کند طسق آسیا

نگارنده به عنوان شاهد این معنی قسمتی از وقفنامه خواجه فخرالدین یحیی را که در تاریخ ۲۵/ ذیحجه/ ۶۷۰ (ه.ق.) دار فانی را وداع گفته در زیر نقل می‌کند: «... و شرط کرده که وجه کفاف مالابد امامی و مؤذنی و قیمی که آنجا باشد از

طسق این آسیاب ساخته دارند... ۳»

در اینجا مطلبی که پوشیده و مجهول می‌ماند این است که چنانچه طسق خراج آسیاب است که باید به شاه یا حکومت و عمال حکومت پرداخته شود چگونه خواجه

فخرالدین یحی در وقفنامه خود محل خرج دیگری از طسق تعیین نموده و به کسی جز عمال حکومت حواله می‌دهد مگر اینکه قبول کنیم که طسق به مرور زمان معنی وسیعی پیدا کرده و در قرن هفتم مفهوم بهره مالکانه را نیز می‌داده که به صاحب آسیا یا صاحب زمین آسیا پرداخت می‌شده است.

حسن بن محمد بن حسن قمی ضمن شرح مفصل مساحی اراضی قم و مالهایی که بر آن اراضی وضع کرده و میزان مبلغ خراجی که از روی مساحات (براساس واحد جریب) به آنها علاقه می‌گرفته و انواع این خراجها، اشاره می‌کند که هر عاملی که آمده قم را مساحت کرده مگر بعضی که اعتماد بر مساحت دیگران کرده‌اند و از میان چند فقره از این مساحی، مساحتهایی را که تواریخ به ذکر آن ناطقند و راویان از اهل قم و غیره روایت کرده‌اند به شرح زیر آورده است:

- ۱- مساحت حمزة بن الیسع اشعری (۱۸۹ ه.ق.)
- ۲- مساحت عامر بن عمران بن عبدالله (۱۲۹ ه.ق.)
- ۳- مساحت علی بن عیسی طلحی (۲۱۲ ه.ق.)
- ۴- مساحت الیسع بن حمزه اشعری (۲۲۵ ه.ق.)
- ۵- مساحت ابی الجارود مندر بن منصور (۲۲۷ ه.ق.)
- ۶- مساحت بشر بن فرج (۲۸۴ ه.ق.)
- ۷- مساحت یحیی بن اسحق (۲۹۲ ه.ق.)
- ۸- مساحت ابوالحسین بن احمد الصمیری (۳۰۳ ه.ق.)

ضمناً اشاره می‌کند که از مجموع این مساحی‌ها اعتماد بر مساحت بشر بن فرج بوده است خصوصاً در مزارع، و در مساحت صمیری در باغات و بساتین مشجره معینه. همو می‌نویسد که هفت بار مالرا به قم وضع کرده‌اند و آنرا به اصطلاح اهل دیوان هفت و ضیمه می‌گویند و هفت طسوق.

بعد از اینکه مساحی اراضی تمام می‌شد آنها را بر حسب حاصلخیزی و نوع و جنس زراعت بر هفت و ضیمه تقسیم نموده‌اند که این وضیمت‌ها مبنای پرداخت خرج قرار گرفته و سپس به ذکر مشروح وضیمت‌های هفتگانه پرداخته که به درج آن در این مقاله نیازی نیست فقط این مقدار لازم به تذکر است که این وضیمت‌های هفتگانه صورت اسامی دیه‌ها و اراضی باغات و کشتزارها است که میزان مالیات يك نوع محصول در آنها متفاوت بوده است مثلاً میزان مالیات گندم، و، نخود و عدس در وضیمه اول به هر جریبی پانزده درم و دانگی از درهم، در وضیمه دوم سیزده درم و دانگی، وضیمه سوم دوازده درم و دانگی، وضیمه چهارم پانزده درم و دانگی، وضیمه پنجم نه درم و دانگی، وضیمه ششم شش درم و دانگی، وضیمه هفتم سه درم و دانگی تعیین شده است. هم‌چنین میزان مالیات سایر محصولات نیز در وضیمه‌های مختلف متفاوت است.

ناگفته نماند که مساحی‌های متوالی که توأم با اخاذی و بدرفتاری عمال حکومت بوده سبب شده که اهل قم از بد معاملتی عمال که در اندک مدتی پیاپی به قم می‌آمدند

و هرکس که می‌آمد مال آن زیادت می‌کرد شکایت کنند.^۲

بطور خلاصه می‌توان گفت که در این باره سه نوع کار انجام می‌گرفته: ۱- مساحی اراضی ۲- تقسیم‌بندی اراضی دهات بر مبنای حاصلخیزی و نوع کشت و زراعت که آنرا وضیعت می‌گفتند ۳- تعیین خراج و مالیات بر اساس وضیعت‌ها و انواع محصولات که آنرا طسق گفته و به طسوق جمع می‌بستند.

گویا دریافت مالیات به روش طسق قبلا به نحو دیگری بوده بدین ترتیب که عمالی از طرف حکومت تعیین می‌شدند تا برای هر جریب زمین در هر ناحیه‌ای مالیاتی ثابت به نام طسق معین کنند و روستائیان به هر عنوانی و در هر شرایطی ملزم به پرداخت این مالیات بوده‌اند خواه این اراضی مزروع بود، خواه غیرمزروع و بطوریکه پطروشفسکی و... می‌نویسند: «وضع دشوار روستائیان بر اثر اعمال شیوه (تسق) و یا تعیین یک مبلغ معین کلی به عنوان خراج از هر ناحیه - سخت‌تر می‌شد. به این معنی که اگر دولت به سبب فرار روستائیان و بایر ماندن بخشی از اراضی یک ناحیه به اخذ مبلغ مقرر موفق نمی‌گردید، مبلغ کسری را به شکل مالیات اضافی به تمام روستائیان آن ناحیه سرشکن می‌کردند. دولت خلفاء در عهد خلیفه مهدی (که از ۷۷۵ تا ۷۸۵ م. - ۱۵۹-۱۹۶ ه. حکومت کرد) بر اثر شورش‌های روستائیان این شیوه را متروک ساخت.^۵

بدین سبب بود که بعدها طسق به عنوان میزان مالیات و خراج برای نوع مزروع در هر جریب زمین مزروع تعیین گردید نه برای هر جریب زمین مطلق.

سید محمدعلی امام شوشتری به نقل از صولی و زمخشری به عنوان واحد وزن مقداری برای طسق قائل شده که ذیلا درج می‌شود: «زمخشری در مقدمه‌الادب صفحه ۶۶ و صولی در ادب‌الکتاب صفحه ۶۵ مقدار آنرا بیست درهم قلمداد می‌کنند از اینجا می‌توان حدس زد که طسق واحدی بوده که در عراق به جای «النش» به کار می‌رفته‌است. بنابراین وزن آن ۸۵۳۰ گرم باید حساب شود.»^۶

بطوریکه ذکر شد تسک مقدار مالیات اراضی مزروع بوده که به هر جریب از این اراضی تعلق می‌گرفته و اگر صولی و زمخشری مقدار آن را بیست درهم نوشته‌اند منظورشان درهم واحد پول بوده و شاید بیست درهم طسق زمین مبتنی بوده است و با شرحی که گذشت اصولا نمی‌توان برای طسق مقدار معین و ثابتی قائل شد و حدس و گمان آقای شوشتری مبنی بر اینکه طسق واحدی بوده که در عراق به جای «النش» به کار می‌رفته ناشی از این بوده که مقدار النش با مقدار مندرج در مقدمه‌الادب و ادب‌الکتاب در مورد طسق مطابقت داشته و هر دو بیست درهم به نظر رسیده منتهی یکی درهم واحد پول است و دیگری درهم واحد وزن.

حال که معنی و مفهوم طسق بیان شد بی‌معنا نیست که درباره ریشه این کلمه

نیز توضیحی داده شود.

بطوریکه ذکر شد بعضی مانند خوارزمی، طریحی، لیث و... آنرا فارسی و معرب

تسك می‌دانند و برخی دیگر در فارسی بودن آن تردید کرده‌اند. اسام شوشتری احتمال می‌دهد که از اصطلاحات عراق در عصر ساسانی بوده و در نقاط دیگر ایران به‌کار نمی‌برده‌اند. غلامرضا انصافپور آنرا معرب تشك دانسته که در دوره ساسانیان مالیات يك قطعه زمین کشاورزی معنی می‌داده است.^۷

آنچه به نظر نگارنده می‌رسد چنین است: این کلمه در اصل مأخوذ از کلمه لاتینی *tasche* است که معنی اجرت و مزد در مقابل کار و وظیفه را می‌دهد که در سال ۱۱۷۵ میلادی به همین صورت و از سال ۱۳۲۰ م. به صورت *tache* با همان معنی وارد زبان فرانسه شده است و امثال این نوع تغییرشکل، یعنی حذف (اس) مقدم بر در حروف ساکن متوالی که باعث سنگینی در تلفظ می‌گردد و آوردن آن به صورت اکسان سیرکونفلکس (که همان شکل کوچک (اس) است) به بالای ودیل ماقبل آن در زبان فرانسه فراوان است. از آن جمله *cote, fete, batinent* و... که از خانواده آنها هنوز در زبان فرانسه لغات زیر را داریم: *costal: festin, festival, bastide* کلمه *taxa* و یا *taxz* نیز محرف همین کلمه است که معنی مالیات روستائی، کار، شغل، وظیفه را می‌دهد. *taux* نیز که از فرانسه قدیم *tauxer* گرفته شده و از سال ۱۳۲۰ میلادی وارد زبان فرانسه امروزی گردیده تغییر یافته *taxer* است که علاوه بر معنی بهای ثابت معینه از طرف حکومت (نرخ رسمی و دولتی *يك جنس*) و میزان بهره سالانه هر صد فرانك، معنی مبلغ مالیاتی معین برای هر مالیات‌بده را می‌دهد. *taxe* نیز از لاتن میانه از سال ۱۳۷۸ م. وارد زبان فرانسه شده و علاوه بر معانی: قیمت ثابت، نرخ، معنی سهم مالیاتی که باید شخص پردازد و روش تعیین مالیات (وضعیت و طسق) مشاغل عمومی متناسب با خدمات را می‌دهد.

بالتجیه می‌توان گفت طسق معرب تسك یا تشك *tasche* فارسی و آن نیز

مفرس کلمه *tasche, tache, taxe* است که از زبان لاتن وارد زبان فارسی و فرانسه شده و اعراب نیز معرب آنرا به صورت «طسق» به‌کار برده و به «طسوق» جمع بسته‌اند و معنی آن مقدار مالیات و خراجی است که برای انواع مزروع در هر جریب تعیین می‌شده است.

پاورقیها:

- ۱- ترجمه مفاتیح‌العلوم خوارزمی ص ۶۲.
- ۲- اصول کافی جرد ثانی صفحات ۲۶۹ و ۲۶۸.
- ۳- تاریخ شاهي قراختائیان ص ۲۲۶.
- ۴- تاریخ قم استفاده از صفحه ۹۹ الی ۱۲۲.
- ۵- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی ص ۱۸۷.
- ۶- تاریخ مقیاسات و نفوذ در حکومت اسلامی ص ۴۸.
- ۷- تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران ص ۵۲۲.